

نگاه وزیر دادگستری همان وزارت دادگستری است

یوسف مولایی

● وزارت دادگستری خود وزیر دادگستری است و وزیر دادگستری به تنهایی یک وزارت است. وزارتخانه‌ای که تقریباً شرح وظایف و اختیارات ندارد. وزیر دادگستری عضو دولت است؛ ولی در رابطه با حوزه مسئولیت و مأموریت‌های دولت به او هیچ وظیفه‌ای محول نشده است؛ باین‌همه میهمان همیشگی هیئت دولت است و صندلی ثابتی دارد که با صندلی بقیه اعضای دولت تفاوتی ندارد. از نظر حقوق و مزایا مصونیت‌ها در ردیف بقیه اعضای دولت است. وزیر محترم دادگستری دغدغه بقیه وزرا را ندارد و شاید تنها دغدغه‌اش در بلاتکلیفی بین دو قوه مجریه و قضائیه است.

در خانواده دولت مانند فرزند ناتنی مورد مهر و نوازش قرار می‌گیرد؛ چراکه او خدمتگزار قوه قضائیه است و در قوه مجریه امورات قوه قضائیه را پیش می‌برد (مانند دفاع از لوایح و بودجه و اعتبارات) در قوه قضائیه هم رسماً عضو خانواده نیست؛ چراکه وزیر است و عضو هیئت دولت. از این رو از مهر و محبت کامل هیچ‌یک از دو قوه برخوردار نیست.

با اینکه وزارت دادگستری دارای تشکیلات و ساختار سازمانی است؛ ولی ساختمان آن از استحکام لازم برخوردار نیست؛ چراکه قوه قضائیه فقط آن قسمت از تشکیلات را تصویب و برای آن اعتبار خود هزینه می‌کند که مربوط به وظایف این قوه باشد که این حوزه در عمل بسیار کوچک است؛ چراکه وزارت دادگستری (علی‌الاصول وزیر دادگستری) فقط نقش یک رابط را برعهده دارد که نیازمند تشکیلات بزرگی نیست. از طرف دیگر دولت نیز نمی‌تواند وظیفه خاصی به این وزیر دادگستری محول کند؛ زیرا طبق اصل ۱۶۰ قانون اساسی، تنها وظیفه وزیر دادگستری برقراری ارتباط بین قوه قضائیه با قوای دیگر است و ازاین‌رو دولت نمی‌تواند برای انجام وظیفه‌ای محدود و مشخص تشکیلات خاصی را برای وزیر تصویب کرده و اعتباری تخصیص دهد. وزیر محترم دادگستری می‌تواند با استفاده از امکانات معاونت حقوقی و پارلمانی ریاست‌جمهوری وظایف خود را انجام دهد و همین‌طور با استفاده از امکانات و لجستیک معاون قوه قضائیه وظیفه خطیر رابط‌بودن را به نحو عالی انجام دهد؛ اما آن‌زنجاکه وزیر نمی‌تواند بدون وزارتخانه باشد و وزارتخانه هم نمی‌تواند بدون تشکیلات و سازمان و کارمند و بودجه و اعتبار باشد، باید به اتحساب قلوب وزارتخانه خوش‌شانس و آرام و بی‌حاشیه‌ای با نام وزارت دادگستری شکل گرفته است که برای آن معاونت‌ها و دفاتری هم به وجود آمده است. البته ایجاد دفتر و تشکیلات نسبتاً عریض و طویل برای رابط قوه قضائیه به مذاق قوه قضائیه خوش نیامده است و موضوع استفسارهای مختلف قرار گرفته است.

شورای نگهبان برای جلب رضایت دو قوه مجریه و قضائیه تفسیری موسع و آزاد از اصل ۱۶۰ قانون اساسی ارائه داده است که مطابق آن، آن قسمت از تشکیلات وزارت دادگستری که در ارتباط با قوه قضائیه است، باید به تصویب این قوه برسد و اعتبارات آن نیز از طرف قوه قضائیه تأمین شود و وظایفی هم که هیئت دولت به وزیر دادگستری واگذار کرده است مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست. مرکز تحقیقات شورای نگهبان در تاریخ ۷۸/۷/۲۰ به شماره ۱۲۱۱ ق – نظر شورای نگهبان را به این صورت جمع‌بندی می‌کند «با توجه به اصول ۱۶۰، ۱۳۳، ۱۳۴ و ۶۰ قانون اساسی – وزیر دادگستری عضو کابینه و دارای حق رای است؛ ولی با توجه به اصل ۱۶۰ و خصوصاً ذیل اصل مذکور هم در لحاظ کیفیت و هم از لحاظ اختیارات و وظایف همسان با سایر وزرا نیست.»

مطابق اصل ۱۶۰ وزیر دادگستری مسئولیت همه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد؛ ولی تاکنون مفهوم حقوقی روابط با قوا شفاف و مشخص نشده است. در عمل نیز وظایفی که برعهده وزیر دادگستری گذاشته شده است، از جنسی نیست که برای او تکلیف پاسخ‌گویی در مقابل مجلس و رئیس‌جمهور ایجاد کند.

هرچند که بعضاً تحت تأثیر فضای سیاسی وزیر دادگستری برای پاسخ‌گویی به موضوعات مرتبط با عملکرد قوه قضائیه به مجلس احضار شده است؛ که این امر موجب ناخرسندی وزیر را فراهم کرده است؛ چنانچه وی در مصاحبه‌ای به تاریخ دی ۱۳۹۵ از اینکه در یک ماه سه بار به مجلس احضار شده است، زبان به شکواییه کشوده و برای نشان‌دادن اعتراض خود، اظهار کرده است که «بنده اعتقاد دارم که در شرایط فعلی نیازمند وزارت دادگستری نیستیم»؛ رئیس قوه قضائیه در مسیر فعال‌کردن وزیر دادگستری و استفاده از امکانات این وزارتخانه از سال ۱۳۶۸ به مدت ۱۰ سال همه اختیارات مالی، اداری و استخدامی، غیر قضاوت را به وزیر دادگستری سپرده بود…

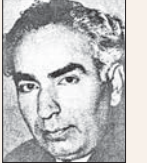
ادامه در صفحه۱۹

بر اساس اصل ۱۶۰ قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت تمام مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از بین کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهوری پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. وزیر دادگستری تنها وزیری است که برای انتخاب به این سمت، نیازمند کسب رأی اعتماد هر سه قوه است؛ چراکه پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و معرفی از سوی رئیس‌جمهوری، باید از مجلس نیز رأی اعتماد بگیرد. با وجود این هماهنگی‌ها، حضور او بین قوا همواره محل مناقشه بوده و هست. جمعی معتقدند وزارت دادگستری در نقش رابط، بین قوا ظاهر می‌شود و نیازی به استقلال آن نیست و در مقابل، جمعی دیگر به دلیل داشتن حق رأی او در هیئت دولت، معتقد به نقش کاتالیزوری او در امور حقوقی هستند. در این گزارش شکل‌گیری و اصلاحات وزارت دادگستری را پس از انقلاب تاکنون بررسی کرده‌ایم.

شکل‌گیری وزارت دادگستری و بایدها ونبایدها

انقلاب که شد، تا زمان نگارش قانون اساسی، تغییرات چندانی در سیستم قضائی به وجود نیامد. بعد از مدتی، کمیته انقلاب در دادگستری تشکیل شد و به شکایات مردم از مسئولان سابق رسیدگی می‌کرد. یک ماه از پیروزی انقلاب می‌گذشت که لایحه قانونی «اصلاح سازمان دادگستری و قانون استخدام قضات»، به تصویب شورای انقلاب رسید. در این لایحه، «سازمان دادگستری» اختیارات گسترده‌ای را ازجمله حق انحلال محاکم و مراجع قضائی و ادارات زائد دادگستری و تشکیل مجدد آنها پس از تصفیه، دارا بود. امور قضائی کشور با استناد به این لایحه پیش می‌رفت تا اینکه نزدیک به یک سال بعد، یعنی ۱۵ فروردین سال ۵۸، دیوان عالی کشور با ترکیب جدیدی ایجاد شد.

براین‌اساس، طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی، «سازمان بازرسی کل کشور»، به جای «اداره کل بازرسی وزارت دادگستری و سازمان شاهنشاهی، زیر نظر قوه قضائیه برای نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه‌های اداری تشکیل شد. در نهایت هم با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های مدنی خاص دادگاه‌ها و دادرسی انقلاب در کنار دادگستری عمومی ایجاد شد. در کنار ایجاد وزارت دادگستری، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی تأکید شده قوه قضائیه به عنوان یک قوه مستقل و جدا از وزارت دادگستری شناخته می‌شود. این تفکیک وظایف، در حالی صورت گرفت که در قانون اساسی مشروطه، وزارت دادگستری به عنوان عالی‌ترین تشکیلات و وزیر دادگستری به عنوان عالی‌ترین مدیر دستگاه قضائی، هدایت و مدیریت قوه قضائیه را از زمان مشروطه تا انقلاب عهده‌دار بود و



از همان سال ۵۷ که دولت موقت مهدی بازرگان زمام امور را به دست گرفت جایگاه وزارت دادگستری محل بحث بود اما در نهایت مورد تأیید بزرگان انقلاب قرار گرفت. از آن ایام تاکنون که قریب به ۳۹ سال می‌گذرد ۱۰ نفر از چهره‌های سیاسی- حقوقی کشور بر صندلی این وزارتخانه تکیه زده‌اند و نامشان در تاریخ وزارتخانه ثبت شده است. اما در این میان رسالت اختیارات وزیر دادگستری نقطه مشترک در دل همه وزرایی است که طعم زمامداری وزارت دادگستری را چشیده‌اند. در این گزارش کارنامه وزرای دادگستری پس از انقلاب تاکنون را به صورت اجمالی بررسی کرده‌ایم.

اسدالله میشیری؛ اولین وزیر پس از انقلاب: از سال ۵۷ تا اوایل سال ۵۸ در دولت موقت مهدی بازرگان وزیر دادگستری شد. اسدالله میشری نخستین وزیر دادگستری بود که رزومه بلندبالایش در امور حقوقی و قضائی انتصاب او در این سمت را خوشایند جلوه می‌داد، هرچند چندان‌ه بعد استعفا کرد و پس از آن تا پایان عمر یعنی سال ۶۹ به فعالیت فرهنگی پرداخت، او وقتی به وزارت دادگستری رسید ۶۹ سال داشت. میشری، دانش آموخته دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود که دکترایش را از فرانسه گرفته بود. او در دهه ۲۰، سمت دادستان شهرهای شیراز و اصفهان را داشت. در دولت ملی محمدمصدق، مستشار دیوان عالی کشور و مدیر کل دادگستری شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ برای مدتی تحت تعقیب حکومت نظامی بود و زندانی شد. در سال ۱۳۴۰ و به هنگام وزارت الموتی در دولت امینی به ریاست بازرسی کل کشور رسید و چند نفر از افراد با نفوذ در کشور چون سیهبد علوی رئیس شهربانی، ضرعام وزیر دارایی، ابتهاج رئیس سازمان برنامه و سهیلی نخست‌وزیر سابق را به دادگاه کشید و برخی از آنان را به زندان انداخت. در سال ۴۲ مجبور به بازنشستگی زود هنگام شد.

احمد صدر حاج‌سیدجوادی، دومین وزیر کابینه: پس از اسدالله میشری، احمد صدرحاج‌سیدجوادی به‌عنوان وزیر دادگستری منصوب شد، او تا آخر مأموریت دولت موقت در این سمت حضور داشت و برای تنظیم قانون دادگاه‌های مدنی خاص تلاش کرد. از دیگر سوابق او به وزارت کشور در سال ۵۷ و نمایندگی قزوین در اولین دوره مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. او همچنین به مدت ۳۰ سال سرپرستی دایره‌المعارف تشیع را عهده‌دار بوده است. سیدجوادی در فروردین ۹۲ درگذشت.



نگاهی به وزیران سابق و کارکرد وزارت دادگستری

جزیره سرگردانی

فرزانه آیینی



سازمان قوه قضائیه جایگاهی در سازمان حکومت نداشت. به‌این‌ترتیب، در ساختار جدید، اختیارات وزارت دادگستری کاهش و عمده کارهای آن به شورای عالی قضائی انتقال یافت. این تغییرات به این معنا بود که وزیر دادگستری بر امور قضائی و تشکیلاتی قوه قضائیه اشرف و تسلطی نداشت؛ بلکه حکم نماینده قوه قضائیه را در جلسه هیئت دولت و مجلس داشت تا از طرح‌ها و لوایح قضائی دفاع کند.هرچند همه ابعاد قضائی از تشکیل دادگاه قضائی گرفته تا سازمان بازرسی و… در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود؛ اما به گمان صاحب‌نظران حقوقی سه سال نخست بعد از انقلاب، به دلایلی از قبیل دوگانگی اندیشه قضائی، فوریت پیشامدهای قضائی و کم‌تجربگی عناصر انقلابی، دوران بی‌ثباتی قضائی بود.همین آشفتگی باعث صدور فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) در ۲۵ آذر۱۳۶۱ شد و به واسطه آن، تحولات دیگری در نظام قضائی کشور رخ داد. در بند اول این فرمان، بر جاری‌شدن قوانین شرعی به‌ویژه در امور قضائی و در بند ۲، بر رسیدگی به صلاحیت مأموران قضائی و پاک‌سازی دستگاه قضائی و در بندهای بعدی نیز بر مصونیت و امنیت قضائی افراد تأکید شد. در نهایت هم در مرداد ۱۳۶۴، در راستای پیشبرد مسئولیت‌های شورای عالی قضائی و ترتیب تصمیم‌گیری و اداره شورا، آیین‌نامه‌ای در ۳۹ ماده و ۴ تبصره به تصویب رسید.

نخستین تکاپو برای حذف پست وزارت دادگستری

این پایان ماجرا نبود؛ آن‌طور که صاحب‌نظران می‌گویند، اشکالات و معایب ناشی از نظام شورایی قضائیه را از زمان مشروطه تا انقلاب عهده‌دار بود و

او به‌عنوان عضو کابینه، در مقابل مردم و مراجع قانونی، مسئول است و در روابط بین‌المللی نیز؛ به عنوان مسئول و طرف قرارداد، حسب مورد مقبول است. ضمناً او در جلسات هیئت‌دولت حضور یافته، حق رأی دارد و باید از طرح‌ها و لوایح قضائی و سایر لوایح مربوط به وزارت دادگستری دفاع کند؛ بنابراین، وزیر دادگستری، درقبال مسئولیت‌های خود، اختیارات کافی ندارد و در سازمان حکومتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیست. در نهایت هم با رأی به حفظ استقلال قوه قضائیه، وزیر دادگستری به‌عنوان رابط دو قوه مجریه و قضائیه زمام امور را بر اساس اصل ۱۶۰ برعهده گرفت.

وزارت دادگستری چه می‌کند؟

از جمله وظایف وزارت دادگستری به عهده‌داشتن کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه برمی‌گردد که براساس قانون شامل اموری مانند ارائه و پیگیری برنامه و بودجه نیروی انسانی (اداری و استخدامی) و امکانات و تسهیلات مورد نیاز وزارت دادگستری و قوه قضائیه، تهیه و تدوین و پیگیری تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و مجوزهای مورد نیاز قوه قضائیه در هیئت دولت، تسلیم لوایح قضائی ارائه شده از سوی رئیس قوه قضائیه به دولت و دفاع در مراحل تصویب جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی می‌شود.همچنین بر اساس قانون مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مقننه است، مثلاً بررسی طرح‌های قانونی مرتبط با قوه قضائیه و انعکاس نظرات قوه قضائیه از مشارکت در تنظیم لوایح قضائی، پیگیری و دفاع از آن در مجلس شورای اسلامی و انعکاس نظرات قوه قضائیه و حتی ارائه پاسخ‌های قوه قضائیه در ارتباط با شکایات و تحقیق وتفحص از قوه قضائیه موضوع اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی از دیگر وظایف وزارت دادگستری است.

مسئولیت و پاسخ‌گویی در قبال رئیس‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی در رابطه با وظایف خاص محوله و دیگر مصوبات هیئت وزیران، انجام وظایف و اعمال اختیاراتی که از سوی رئیس‌جمهوری یا هیئت‌دولت محول می‌شود، تهیه و وضع آیین‌نامه‌ها و صدور بخش‌نامه‌ها در حدود وظایف محوله و مصوبات هیئت وزیران، امضای عهدنامه‌ها، مقابله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای قضائی با سایر دولت‌ها در صورت اعطای نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور با هماهنگی قوه قضائیه، اقدام در جهت احقاق حقوق شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور، پاسخ به استعلامات حقوقی دستگاه‌ها و هماهنگی در امور بین‌الملل نظیر قراردادهای همکاری و معاضدت قضائی، استرداد مجرمین و انتقال محکومین و… از مهم‌ترین وظایف این وزارتخانه است.



محمداسماعیل شوشتری؛ وزیر ماندگار: پس از حبیبی و با روی‌کارآمدن دولت هاشمی‌رفسنجانی، محمد اسماعیل شوشتری به وزارت دادگستری رسید و سه دوره متوالی یعنی در دو دولت سازندگی و دولت اول اصلاحات در این وزارتخانه باقی ماند. او از سال ۶۸ تا ۸۴، به مدت ۱۶ سال وزارت دادگستری را برعهده داشت. شوشتری رکورددار حضور در وزارت دادگستری است.



جمال کریمی‌راد؛ وزیری که نماند: دولت نهم که روی کار آمد، جمال کریمی‌راد به وزارت دادگستری منصوب شد. وی مدرک کارشناسی علوم قضائی خود را سال ۶۵ از دانشکده علوم قضائی (قوه قضائیه)، مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی را در سال ۷۸ از مرکز آموزش مدیریت دولتی و مدرک کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل خود را در سال ۷۹ از دانشگاه تهران گرفت. او هفتم دی‌ماه ۸۵ بر اثر تصادف در جاده سلفچگان فوت کرد.

غلامحسین الهام؛ گره‌گشای دولت نهم: پس از فوت کریمی‌راد، محمود احمدی‌نژاد اعلامحسین الهام را به‌واسطه تحصیلات حقوقی‌اش برای تصدی وزارت دادگستری به بهارستان معرفی کرد و مجلس هم به او رأی اعتماد داد. سخنگوی دولت، سخنگوی شورای نگهبان، سخنگوی قوه قضائیه، عضو حقوق‌دان شورای نگهبان از سمت‌های پیشین الهام بود. او تا سال ۸۸ وزیر دادگستری ماند و پس از آن و در دولت دهم به عنوان مشاور حقوقی رئیس‌جمهور منصوب شد. دو سال بعد مجدداً به‌عنوان سخنگوی دولت انتخاب شد.



سیدمرتضی بختیاری؛ وزیر بی‌حاشیه: پس از الهام و در دولت دوم احمدی‌نژاد، مرتضی بختیاری به وزارت دادگستری رسید و تا پایان عمر دولت دهم هم عهده‌دار این مسئولیت شد. او پیش از وزارت دادگستری مدیر کل دادگستری استان خراسان و فارس، رئیس سازمان زندان‌ها، استاندار اصفهان و دولت اول احمدی‌نژاد بود.



- هفته قوه قضائیه و بحث تشکیل کابینه جدید و وزیر دادگستری موضوع داغ این‌روزهاست. در موضوع وزارت دادگستری نیز عمده بحث‌ها درباره شخص وزیر است و غالباً بدون توجه به اینکه معرفی وزیر باید از طرف قوه قضائیه صورت گیرد. اما به گمان نگارنده مطالبی بسیار مهم‌تر از کیستی وزیر در سایه این بحث‌ها معدوم می‌شود. وزیر مهم است اما مهم‌تر از آن ماهیت، مأموریت و چیستی و چرایی وجود این وزارتخانه است که اگر روشن شود، وزیر متناسب با خود را می‌طلبد.

چیستی مهم‌تر از کیستی عمادالدین باقی

● هفته قوه قضائیه و بحث تشکیل کابینه جدید و وزیر دادگستری موضوع داغ این‌روزهاست. در موضوع وزارت دادگستری نیز عمده بحث‌ها درباره شخص وزیر است و غالباً بدون توجه به اینکه معرفی وزیر باید از طرف قوه قضائیه صورت گیرد. اما به گمان نگارنده مطالبی بسیار مهم‌تر از کیستی وزیر در سایه این بحث‌ها معدوم می‌شود. وزیر مهم است اما مهم‌تر از آن ماهیت، مأموریت و چیستی و چرایی وجود این وزارتخانه است که اگر روشن شود، وزیر متناسب با خود را می‌طلبد.

دادگری پیشینه‌ای بس دراز دارد و در الواح ایران باستان و قوانین حمورابی ۱۷۵۰ –۱۸۱۰پیش از میلاد مسیح در کشور بابل و نیز در آیین کنفوسیوس ۵۰۰ سال پیش از میلاد نیز از آن سخن رفته است. در زبان پهلوی و ایران باستان یکی از القاب خادوند «دادار دادگستر جهان» است. نهاد دادگری هم قدمتی دراز دارد اما نهاد دادگستری از جمله نوع وزارتخانه‌ای آن، نهادی مدرن است.

در ایران همواره محاکم شرعی و محاکم عرفی وجود داشته‌اند. محاکم شرعی تحت اختیار مجتهدین بودند و محاکم عرفی تحت اختیار حکومت اما محاکم شرعی تحت نظر شاه بود و آرای آن در محاکم عالی عرفی تصویب می‌شد. هرچند تأسیس وزارتخانه به سبک اروپایی برای اولین‌بار در زمان فتحعلی شاه صورت گرفت و سه وزارت خارجه، مالیه و فوائد عامه تشکیل شد اما در ۱۲۷۵ ه.ق در دوره ناصرالدین‌شاه شش وزارتخانه تشکیل شد که یکی از آنها وزارت عدلیه بود (زرنگ، ج: ۱۱۴) و هیچ قوه قضائیه مستقلی وجود نداشت. پس از انقلاب مشروطیت تفکیک قوای سه‌گانه برای نخستین‌بار انجام شد و عدلیه، دادگستری نام گرفت. میرزاحسن‌خان مشیرالدوله، بنیان‌گذار عدلیه نوین، لایحه جدید تشکیلات عدلیه را تدوین کرد و در ۱۲۹۰ ش (۲۱ رجب ۱۳۲۹ ق) تصویب شد (همان: ۱۴۲) و قوه قضائیه به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه به تصویب رسید اما وزارت دادگستری که عضو قوه مجریه بود کنترل و مدیریت دستگاه قضائی را برعهده داشت. بنابراین این شبهه پیش آمده که پس از مشروطیت نیز اساساً قوه قضائیه مستقلی وجود نداشته و به‌عنوان بخشی از قوه مجریه عمل می‌کرده است اما برخی معتقدند وزارت دادگستری فقط نقش رابط بین دو قوه و فقط کنترل و مدیریت امور اداری را داشته نه امور قضائی را (همان: ۱۵۲–۱۴۵). علی‌اکبرخان داور به‌عنوان معمار دادگستری نوین مقارن با روی‌کارآمدن رضاخان در ۱۳۰۵ ش، عدلیه را منحل کرد و دادگستری به شکل امروزی را به وجود آورد. دادگاه‌های ابتدایی و تجدید نظر و دیوان را شکل داد و وزارت دادگستری هم عهده‌دار امور اداری و مالی و رابط قوه مجریه با قوه قضائیه شد و «بخش‌هایی از قوه مجریه از قبیل نیروی انتظامی و امنیتی به‌عنوان بازوان قوه قضائیه عمل می‌کردند» (همان: ۴۲۰). همواره رابطه قوه مجریه و قوه قضائیه و حفظ استقلال آنها از یکدیگر یکی از معضلات بوده است. یکی دیگر از مسائل این بود که برای رعایت عدالت باید نهاد اجراکننده مجازات از نهاد صادرکننده مجازات جدا باشد. بنابراین در دوره پهلوی، زندان‌ها وابسته به شهربانی و شهربانی زیر نظر وزارت کشور بود. نهاد زندان تا سال ۱۳۵۸ یعنی یک سال پس از تشکیل جمهوری اسلامی نیز تحت مدیریت شهربانی بود اما در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ لایحه قانونی واگذاری اداره امور زندان‌ها به وزارت دادگستری تصویب شد و دوباره در بهمن ۱۳۶۴ زندان‌ها زیر نظر شورای عالی قضائی قرار گرفت. این موضوع اهمیت بسیاری داشت زیرا وضعیت زندان‌ها و زندانیان، یکی از شاخص‌های دادگری است و عدالت ایجاب می‌کند که نهاد دآوری (قاضی و قوه قضائیه) و نهاد مجری مجازات، مستقل از همدیگر باشند.

اینکه محکوم‌کننده و مجازات‌کننده یکی باشد، تبعاتی دارد که در گفتار دیگری باید به آن پرداخت.

اصل ۱۶۰ قانون اساسی می‌گوید: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد». از یک سو قوه قضائیه تنها نهادی است که به موجب ضوابط قضائی‌اش پاسخ‌گو نبوده و از سوی دیگر رئیس قوه مجریه: ۱- طبق اصل۱۱۳ مسئول اجرای قانون اساسی است و ۲- تنها مقامی است که مستقیماً با آرای اکثریت مردم انتخاب می‌شود. از این رو رئیس قوه مجریه ناگزیر به تأسیس نهادهای دیگری می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۹